

Mir Syed Ali Hamadani in His Letters

*** Nargess Jaberinasab**

Abstract

Amir Syed Ali bin Shahab, famous as Syed Ali and Mir Syed Ali was a mystic, poet and author belonging to the Kubraviya Order and was the follower of Sheikh Najam Uddin Kubra in the eighth century. He was born on 12 Rajab in 714 Hijri in Hamadan and at the age of 73 he (died on 6, Zilhijjah in 786 Hijri,) while returning from Kashmir, on his way to Turkestan in Pakhly (Pakly) in the present Nuristan

Syed Ali Hamadani was a prolific traveller of his time; he began travelling at the age of 20 in 733 Hijri and continued for 21 long years till 753 Hijri. The larger part of Mir Syed Ali Hamadani's life was spent on long journeys.

During his travel to Mecca, Medina, India, Pakistan, Egypt, Asia Minor, Central Asia, etc., he met different sets of people belonging to various cultures, religions and traditions and largely benefitted from visiting contemporary renowned scholars. The propagation and promotion of Islam was the most sanctified duty Hamadani has pursued during his travel. It is widely believed that he travelled the world three times. That is why, Mir Syed Ali Hamadani is considered as a great traveller from the Islamic world.

One of his great contributions was the promotion of Persian culture and language in the Indian sub-continent. Undoubtedly, Mir Syed Ali Hamadani has left outstanding works in prose and poetry in both Persian and Arabic languages covering spiritual, theological and literary topics. He had authority on both Persian and Arabic, but most of his works are in Persian.

One of his remaining works is the 'collection of letters' he had written to his friends, relatives and scholars of his time on several occasions. In this article, I have tried my best to evaluate, Mir Syed Ali Hamadani's style of writing with its special features, and have presented a new face of Mir Syed Ali Hamadani in the light of his existing nineteen letters.

Key words: Mir Syed Ali Hamadani, Letters, Travelling, Friends, Relatives.

چهره میر سید علی همدانی در مکتوبات بازمانده از وی

نرگس جابری نسب

چکیده

امیر سیدعلی بن شهاب مشهور به سیدعلی و میرسیدعلی، عارف، شاعر، نویسنده و از مشایخ و خلفای سلسله کبرویه و از پیروان طریق شیخ نجم‌الدین کبری در قرن هشتم است. او در ۱۲ رجب سال ۷۱۴ قمری در همدان متولد شد و در ۶ ذی‌الحجه ۷۸۶ قمری در سن ۷۳ سالگی هنگام مراجعت از کشمیر و عزیمت به ترکستان در پاخلی (پکلی) در کافرستان (نورستان کنونی) درگذشت. وی سفرهای خود را در حدود سال ۷۳۳ ق. در سن ۲۰ سالگی آغاز کرد و تا سال ۷۵۳ ق. یعنی ۲۱ سال بعد، ادامه داد. بیشتر زندگی میر سید علی همدانی به سفرهای طولانی گذشت. تبلیغ و ترویج اسلام از وظایفی بود که همدانی در سفرهای خود به آنها توجه داشت. نقل کرده‌اند که او سه بار دنیا را سیر کرد. میر سید علی از سیاحان بزرگ جهان اسلام و از واسطه‌های انتقال فرهنگ ایرانی و زبان فارسی به شبه قاره هند بود. آثار متعددی از میر سید علی همدانی در نثر و شعر فارسی و عربی به جای مانده که در باب موضوعات گوناگون عرفانی، اعتقادی و ادبی نگاشته شده است. وی در ادب فارسی و تازی هر دو دست داشت اما بیشتر آثار وی به زبان فارسی است. یکی از آثار به جای مانده از میر سید علی همدانی مجموعه مکتوباتی است که وی به مناسبت‌های مختلف به دوستان و خویشان و بزرگان عصر خود می‌نوشته است. سعی نگارنده در این مقاله بر آن است که به بررسی شیوه نگارش نامه‌های وی و ویژگی‌های خاص آنها بپردازد و چهره میر سید علی همدانی را با توجه به متن نوزده مکتوب بازمانده از وی ترسیم کند.

کلید واژه‌ها: میر سید علی همدانی، مکتوبات، سفرها، دوستان و خویشان، بزرگان عصر.

«یکی از پیران طریقت و دیده وران خانقاه در سده هشتم، امیر کبیر، سیدعلی همدانی، معروف به علی ثانی و شاه همدان است. (ولادت در 12 رجب 714ق./ 29 اکتبر 1314 م. وفات در ذی الحجه 786ق./ فوریه 1383م.)» (مایل هروی 1370: 230) سید علی بن شهاب الدین حسن همدانی، همزمان با دوران سلطنت محمد خدابنده اولجایتو در همدان زاده شد. نسبش را چنین بر شمرده‌اند: علی بن شهاب الدین بن محمد بن علی بن یوسف بن محب بن مشرف بن محمد بن جعفر بن عبیدالله بن محمد بن علی بن حسن بن جعفر بن عبیدالله حسین بن امام زین العابدین (ع) (همدانی، 1374: 12) مادرش نیز از سادات علوی بود و فاطمه نام داشت.

خاندان وی از سادات حسینی بودند. پدرش از بزرگان شهر همدان بود. بر اساس برخی روایات وی حاکم همدان بوده است، مسئله‌ای که به نظر برخی از پژوهشگران صحیح نیست و احتمال می‌رود پدر سید علی، نه حاکم همدان بلکه رئیس این شهر بوده که مقامی موروثی در خاندان علویان همدان بوده است. (انکایی، 1370: 14-15) به هر ترتیب آنچه مسلم است اینکه پدر و خاندان سید علی، از بزرگان و ثروتمندان شهر بودند.

سید علی همدانی به سال 786 ق. (در سن 72 سالگی) در حالی که از کشمیر خارج شده بود و راهی ترکستان بود در پاخیلی بدورد حیات گفت. بعد از مرگ وی مریدانش، پیکرش را به ختلان برده و در آنجا به خاک سپردند.² (انکایی، 1370: 73)

¹. هشتمین ایلخان مغول، اولجایتو بن ارغون در سال 704 ق. به ایلخانی رسید و حکومتش تا سال 716 ق. ادامه داشت. اولجایتو معروف به خدابنده از معرفت‌ترین ایلخانان مغول بود. وی برادر غازان هفتمین ایلخان مغول بود که بعد از او به سلطنت رسید. اولجایتو نخستین ایلخانی بود که مذهب شیعه را پذیرفت و در ترویج آن کوشش کرد. از جمله فعالیت‌های وی ضرب سکه‌هایی بود که نام دوازده امام را بر خود داشتند. از این جهت او را خدابنده لقب دادند. وی در سال 716 ق. درگذشت. (لولوی 1378: 53)

². مقبره میر سید علی همدانی در باغی در شهر کولاب در کشور تاجیکستان است. در اطراف مقبره وی آرامگاه تعدادی از فرزندان و نوادگانش نیز است. / خانقاه معلی در کنار رود جهلم که محل اقامت وی در شهر سرینگر کشمیر بود امروزه زیارتگاه مسلمانان و پیروان

طریقت عرفانی میر سید علی همدانی

«سلسله ای که همدانی به آن متعلق است، سلسله ای است که در طرایق عرفانی به نامهای علاییه (منسوب به علاءالدوله سمنانی) و همدانیه (منسوب به امیر سید علی همدانی)، و بیشتر به نام سلسله ذهبیه خوانده می شود.» (مایل هروی 1370: 235)

«همدانی به ابن عربی و آراء و یافته های او گرایش زیادی و در خور داشته، و در برخی از رساله هایش مانند رساله وجودیه، از ابن عربی متأثر بوده، و حتی به قولی، شرح فصوص خود را در خانقاه ختلان درس می گفته و آن را به جعفر بدخشی³ آموخته بوده است.» (مایل هروی 1370: 236)

سفرهای میر سید علی همدانی

میر سید علی همدانی «به مدت بیست و یک سال به سیر و سیاحت در بلاد اسلامی پرداخت و به صحبت هزار و چهارصد تن از اولیاء رسید. سفرهای او در ترکستان و هند و سراندیب (سیلان) به قصد اشاعه اسلام بود و پادشاهان هند و کشمیر او را گرامی می داشتند.» (ناهمیدی، 1386: 46)

«در اواسط سده هشتم در ماوراءالنهر رحل اقامت افکنده، زمانی در بلخ و بدخشان گذرانده، تا آنکه در سال 774 ق. به ناحیه ختلان (کولاب یا کلیاب کنونی واقع در تاجیکستان) رفته در آنجا سکونت گزیده، اکابر و اشراف آن دیار به شرف ارادت ایشان مشرف شدند چندان که امیر تیمور گورکانی (حک 771-807 ق.)⁴ از نفوذ وی بیمناک شده و ناگزیر با وی ملاقات نموده

طریقت‌های عرفانی است. برای اطلاعات بیشتر ر. ک. (آفاقی، 1388-1389: 56)

³. نورالدین جعفر بدخشی، (۷۴۰-۷۹۷ ق. / ۱۳۳۹-۱۳۹۵ م.)، عارف، صوفی، و شاگرد برجسته میر سید علی همدانی. برای اطلاعات بیشتر ر. ک. لاجوردی، فاطمه، 1367، بدخشی، نورالدین، دایره المعارف بزرگ اسلامی، ج 11، انتشارات مرکز دایره المعارف بزرگ اسلامی. (ص 525-526)

⁴. تیموریان یا گورکانیان (۷۷۱-۹۱۱ ق. / ۱۳۷۰-۱۵۰۶ م.) دودمانی ترک تبار بودند. بنیان‌گذار این سلسله امیر تیمور بود که ادعا می‌کرد نسبش به چنگیز خان می‌رسد.

است. وی خواهش تیمور را به ماندگاری در ختلان نپذیرفته و گفته است: مامورم که به کشمیر روم و اهل آن دیار را به اسلام دلالت کنم.» (انکایی، 1368: 29)

کشمیر

میر سید علی همدانی « نخستین بار به سال 774 ق. به کشمیر رفته و به دعوت اسلامی پرداخته است. نامه های وی به ملوک آن نواحی، هم در این سالها نگاشته آمده است. از جمله به سلطان قطب الدین شاهمیری (775-796 ق.) سلطان طغان شاه حاکم کونار سلطان محمد بهرام شاه حاکم بلخ و بدخشان، سلطان غیاث الدین حاکم پاخلی که به آنجا رفته و گلایه و اشاره کرده است به هنگامه اهالی کافرستان (نورستان کنونی) به سبب تبلیغ وی.» (انکایی، 1368: 29)

رسد و سلسله تیموری را در ایران و آسیای میانه و آسیای جنوبی پایه گذاری کرد. تیمور در ٧٣٦ ق. / ١٣٣٥ م. در شهر کش از نواحی ترکستان دیده به جهان گشود سرانجام در رمضان سال ٨٠٧ ق. / فوریه ١٤٠٥ م. در سن ٧١ سالگی در قزاقستان درگذشت. بنابر روایتی وی در سال ٧٦٤ ق. بنا به استمداد «امیر سیستان» به کمک او شتافت و در جنگ با مخالفانش زخمی شد، ولی پایش بعد از بهبود زخم هم همیشه می‌لنگید و به تیمور لنگ معروف شد. تیمور گورکانی (٧٧١ - ٨٠٧ ق. / ١٣٣٦ - ١٤٠٥ م.)، معروف به تیمور لنگ، نخستین پادشاه گورکانی (تیموری) (تیمور در زبان ازبکی به معنای آهن است) در رمضان ٧٧١ ق. / آوریل ١٣٧٠ م. با تسخیر بلخ حکومتی مستقل تشکیل داد و خود را «صاحبقران» خواند و سلسله تیموری را در ایران و آسیای میانه و آسیای جنوبی پایه گذاری کرد. تیمور از ٧٧٨ ق. / ١٣٧٧ م. تا هنگام مرگش در ٨٠٧ ق. / ١٤٠٥ م. به مدت ٢٩ سال، بخش عظیمی از جهان را زیر فرمان خود آورد و بنیان امپراتوری را گذاشت که بلافاصله پس از مرگش، انحطاط و زوال و تجزیه آن آغاز شد.

«دومین سفر وی به کشمیر به سال 781ق. بوده که در راس 700 تن از مریدان خود به منظور مذهبی بدانجا تاخته است. ... مرتبه سوم چون تشریف ارزانی داشت، بعد از توقف چند ماه، در سال 786ق. از این شهر عزم ترحیل کرد و از کشمیر به سواد کبیر رسید، و به رحمت حق پیوست.» (اذکایی، 1368: 30)

آورده اند که: سلطان قطب الدین شاهمیری «با شنیدن خبر ورود میر سید علیدهمدانی به سرزمین کشمیر با امرای مملکت برای پیشوازش از شهر بیرون رفته، با کمال احترام استقبال نموده و در محله علاءالدین پور منزل شایانی برای اقامت او تهیه کرد.» (غفاروا، 1388-1389: 264)

آثار میر سید علی همدانی

«سیدعلی همدانی آثار و نگاشته های زیادی در زمینه علوم خانقاهی و آداب تصوف پرداخته است.» (مایل هروی 1370: 230) برخی از آثار فارسی وی عبارتند از: 1. ذخیره الملوک؛ که مفصل ترین و مشهورترین اثر اوست، و سیاستنامه ای است که بیشتر مطالب آن ترجمه احیاء علوم دین غزالی است. 2. مرآة التائبین؛ در موضوع توبه، 3. سیر الطالبین؛ در آداب سلوک عرفانی، 4. رساله اعتقادیه؛ در معرفت خدا، 5. مشارب الانواق؛ شرح قصیده میمیه ابن فارض، 6. رساله ده قاعده؛ راه های رسیدن به خدا، 7. رساله منامیه؛ در کیفیت خیال و مراتب خواب و رویا، 8. رساله حل مشکل؛ در موضوع عرفانی، 9. واردات امیریه؛ مناجات و کلمات قصار، 10. رساله درویشیه؛ در ضرورت سرسپردن به پیر در طریقت عرفانی، 11. رساله فتوتیه؛ در شرح فتوت، 12. رساله ذکریه؛ در تفسیر اذکار، 13. رساله عقل؛ در معنا و فضیلت و مراتب عقل، 14. رساله فقریه؛ درباره اولیا و احوال آنان، 15. اسرار وحی؛ مکالمات پیامبر با خدا در شب معراج، 16. چهل حدیث، 17. رساله چهل مقام صوفیه، 18. رساله حقیقت ایمان؛ مطالب عرفانی و خداشناسی، 19. رساله موچلکه؛ در توضیح این حدیث که ما من حرف من القرآن الا و له ستون الف فهم، 20. رساله حق الیقین؛ تفسیر آیه الله ملک السماوات و الارض، 21. نوریه؛ در آداب عرفانی، 22. رساله تلقینیه؛

درباره ترکیه نفس، 23. رساله همدانیه؛ توضیح مسائل عرفانی، 24. رساله بهرام شاهیه؛ نصیحت بهرام بدخشانی، 25. رساله عقبات؛ حقیقت ایمان، 26. وجودیه؛ درباره وجود مطلق، 27. چهل اسرار یا غزلیات؛ شامل مجموعه‌ای از غزلیات سید، 28. منهاج العارفین؛ پند نامه، 29. مکتوبات.

ترسل و انشا

ادب فارسی درخت تنومند ریشه دار پر برگ و باری است که یکی از شاخه های گرانسنگ آن، ترسل و انشاست. ترسل و انشا به لحاظ ادبی، اجتماعی، تاریخی و سیاسی در دوره های مختلف تاریخی از اهمیت شایانی برخوردار بوده است. این قسم از اقسام نثر در ایران پیش از اسلام با شرایط و فنون خاص خود شهرت و رواج تمام یافته و در فن نثرنویسی ارزش و مرتبتهای خاص داشته و فواید مختصات آن از طریق ترجمه، بطور مستقیم یا غیر مستقیم در دواوین خلفا اثرگذار بوده است و در تکامل مکاتیب و ترسلات زبان عربی و فارسی سهمی بسزا داشته است. (رضایی 1392: 226)

رسائل و مکاتیب باقیمانده از ادوار گوناگون تاریخی، از انواع مهم نثر فارسی محسوب می‌شود و از جهات مختلف حائز اهمیت و در خور مطالعه و تحقیق و تدقیق است. این نامه‌ها که خوشبختانه از توفان حوادث روزگار در امان مانده، اغلب رشحات خامه نویسندگان و ادیبان نامداری است که در طول تاریخ ادبیات فارسی به نظم و نثر باقی مانده است. (مردانی 1377: 37)

«منشورها و فرمانها و رسایل سلطانی که در مجموعه منشآت گرد آمده است، منبع بسیار مهم و ارزشمند و اسناد معتبری است که در کشف حقایق تاریخی و ریشه بسیاری از وقایع، راهگشای مورخان و اهل تحقیق تواند بود. در این نامه‌ها ممکن است به حوادث و شخصیت‌های تاریخی اشاره شده یا نثری از آن حوادث و افراد به میان آمده باشد، که در هیچ یک از کتب تاریخ ثبت و ضبط نشده باشد، که در شناخت بیشتر و تجزیه و تحلیل شخصیتها و روشن شدن واقعیت‌های تاریخی، این گونه منشآت نقش مؤثری دارند.» (مردانی 1377: 37)

در مکاتیب اخوانی⁵ هم از جریانهای سیاسی و اجتماعی و احوال خصوصی مردم به ویژه ائمه، قضات، علما، ادبا، شخصیتهای سیاسی، درباریان و حتی مردم عادی، سخن به میان آمده و این مکتوبات اطلاعات زیادی در زمینه مردم‌شناسی، بافت اجتماعی جوامع گذشته، اعتقادات دینی و وجود نحله‌ها و فرقه‌های مختلف مذهبی در ادوار گوناگون در اختیار خواننده می‌گذارد. برای نمونه، القاب و عناوینی که در خطاب به هر کدام از افراد و طبقات اجتماع در نامه‌های دیوانی و اخوانی به کار می‌رفت و آداب و شرایطی که در نامه‌نگاری وجود داشت، محققین را نسبت به بسیاری مسائل و روابط اجتماعی آگاه می‌نماید. (مردانی 1377: 37)

نتایج و فواید دیگری که از خواندن چنین آثاری به دست می‌آید، اطلاعات سودمندی است که درباره تشکیلات دیوانی، اعم از کشوری و لشکری و آیین مملکت‌داری و تدبیر امور کشور در سلسله‌های گوناگون حکومتی ارائه می‌دهد، از آن جمله است: روابط رجال و درباریان با یکدیگر و با زیردستان و با مقامهای مافوق، مسئولیت و حدود وظایف و اختیارات صاحبان مشاغل و مقامات دولتی و دیوانها مانند وظایف قضات، شحنگان، محتسبان و همچنین دیوان استیفاء، دیوان برید، دیوان رسایل و انشاء و... و کیفیت تفویض قدرت و سلطنت و عزل و نصب والیان و ملوک ولایتها و سرزمینهای تحت نفوذ حکومت مرکزی و... (مردانی 1377: 37)

⁵. مکاتیب اخوانی یا اخوانیات جمع اخوانیه؛ نامه‌های دوستانه به نظم یا نثر؛ نوشته‌هایی که میان دوستان رد و بدل می‌شود. (عمید ذیل واژه) در مکاتیب اخوانی هم از جریان‌های سیاسی و اجتماعی و احوال خصوصی مردم بویژه ائمه، قضات، علما، ادبا، شخصیت‌های سیاسی، درباریان و حتی مردم عادی سخن به میان آمده و این مکتوبات اطلاعات زیادی را در زمینه مردم‌شناسی، بافت اجتماعی جوامع گذشته، اعتقادات دینی و وجود نحله‌ها و فرقه‌های مختلف مذهبی در ادوار گوناگون در اختیار خواننده می‌گذارد که ما را نسبت به بسیاری مسائل و روابط اجتماعی آگاه می‌نماید. (رمضانی 1392: 109)

ویژگیهای مراسلات و مکاتیب فارسی قرن هفت و هشت

«در قرن هفتم به تدریج نثر ساده بر نثر فنی رجحان یافت و در نگارش نامه‌ها و مکاتیب نیز تکلفات گذشته تنزل یافت و اسلوب قدیم در نامه‌نگاری تا حدی متروک ماند، سپس به مرور ایام لغات و اصطلاحات مغول و تاتار وارد نامه‌ها شد و اصطلاحات و تعبیرات تازه که بعداً به تصنع و تعقید و ابهام و هجوم لغات عربی منتهی گردید، کار را در تحریر منشآت دشوار کرد. این شیوه که تا دوره تیموری ادامه داشت، نفوذ عمیقی در رسائل عصر صفوی برجا گذاشت.» (مردانی ۱۳۷۷: ۴۰)

در اواخر قرن هفتم و اوایل قرن هشتم هجری برخی منشیان، نثر مکاتیب را پیراسته و از تکلفات و تصنعات رهایی داده و نامه‌ها را با شیوه‌ای ساده و روشن و قابل فهم و با لطافت و ذوق به رشته تحریر درآوردند، اما در عین حال سنت ادبای قدیم را تا حدودی در نظر می‌گرفتند و نمونه انشای آنها در قرون بعد کمابیش مورد توجه و سرمشق کاتبان است. ویژگیهای مراسلات و مکاتیب فارسی در قرنهای هفتم و هشتم به اختصار عبارتند از:

الف) آوردن عناوین و نعوت

آوردن عناوین و نعوت رکنی اساسی در منشآت قرن هفت و هشت محسوب می‌گردد، به شیوه‌ای مبالغه‌آمیز برای بزرگداشت مخاطب نامه، قبل از لقب اصلی می‌آید. کاربرد این نعوت و عناوین از قرن پنجم آغاز شد و ادامه یافت و در ترسلات قرنهای ششم و هفتم به اوج مبالغه رسید، به طوری که آن عناوین و نعوت به صورت ترکیبهای طولانی و مسجع و پی‌درپی درآمد و برای هر یک از مشاغل و مناصب دیوانی عناوین و نعوت خاصی به کار برده می‌شد و هر قدر فاصله و تمایز منصب بین کاتب و مخاطب زیادتر بود، القاب و عناوین و نعوت بیشتری استعمال می‌شد.

(ب) ادعیه

ترکیبها و جمله‌های دعایی که معمولاً به زبان عربی و گاه نیز به فارسی بود، به دنبال عناوین و نعتها و القاب خاص آورده می‌شد که شرایط استعمال آن نیز تا حدودی مانند عناوین و نعوت بود.

(پ) ذکر نام یا لقب خاص کاتب و مخاطب

ذکر نام یا لقب خاص مخاطب به تناسب مقام افراد و مناصب و مشاغل آنها متفاوت است و تابع شرایط و ضوابطی است. ذکر نام کاتب در نامه نشانه عظمت مقام مخاطب و بزرگداشت او بوده است و نام یا لقب خاص مخاطب، تنها در مواردی ذکر می‌شد، که نامه از جانب پادشاه یا وزیران و امیران خطاب به عمال و کارگزاران ارسال می‌گردید.

(ت) ویژگیهای لفظی و صنایع بدیعی

- **اطناب:** که در میان انواع گوناگون نثر، بیشترین درجه اطناب اختصاص به مکاتیب خصوصاً مکاتیب قرن هفت و هشت دارد. کاربرد اطناب در هر کدام از مکاتیب این دوره حدود و شرایط خاصی دارد و می‌توان گفت در این خصوص کمابیش همان شیوة رایج در مکاتیب عربی پیروی می‌شد. نکاتی که ادبا نیز بدان تصریح کرده‌اند، در توقیعات روش ایجاز، در مدح و ذم و ثنا شیوة اطناب و در نامه‌هایی که از جانب سلطان در موضوعات مختلف مربوط به خراج و فتحنامه و منشور و دیگر اقسام صادر می‌شد، شیوة اطناب کامل، و در مکاتیبی که از جانب عمال در گزارش اخبار به وزیران و امیران نوشته می‌شد اطناب و در نامه‌های شکر و سپاس طریقه ایجاز به کار می‌رفت.

- **صنایع و تکلفات لفظی:** مکاتیب از نظر صنایع و تکلفات لفظی نسبت به دیگر انواع نثر مخصوصاً قصص و مقامات در درجه پایین‌تری واقع است، زیرا نویسندگان ملزم است حدود و قیود خاصی بین کاتب و مخاطب رعایت نماید و تکرار تعابیر و ترکیبهای مشخص و یکنواخت در سراسر نامه از تنوع مکتوب می‌کاهد و مجال پرداختن به تفنن و صنایع لفظی کمتر است.

به کار بردن سجع: سجع در مکاتیب این دوره مانند سایر انواع نثر حتی مبالغه‌آمیزتر از آنها وجود دارد.

-اقتباس از آیات و احادیث و درج اشعار و امثله: در مکاتیب دیوانی و رسمی تعداد معینی از آیات و احادیث، آن هم به طریق نقل قول بی‌هیچ تفنن در ظاهر آرای کلام استفاده می‌شود و اشعار و امثله نیز بسیار نادر است. در سلطانیات معمولاً به آیات و احادیث استناد نمی‌شود و درج اشعار و امثله هم جز در موارد معدود مرسوم نیست. در اخوانیات نیز آیات و احادیث به ندرت به کار می‌رود ولی تضمین اشعار و امثله فارسی و عربی رکن اصلی در زینت کلام است.

ه) ویژگیهای معنوی

از لحاظ ویژگیهای معنوی، نثر منشآت اخوانی این دوره در بیشتر موارد از بهترین نمونه‌های شعر منثور محسوب می‌گردد، به خصوص رکن شرح اشتیاق در اخوانیات که دارای مضامین شعری است. (مردانی ۱۳۷۷: ۴۰)

ویژگیهای منشآت دوره تیموری

برخی از منشیان این دوره به سنتهای دیرین ترسل پایبند بوده‌اند و تا حدودی در مکاتیب خود به ایراد تکلفات همچون سجع و موازنه و قرینه‌سازی اقدام می‌کردند و آوردن لغات دشوار عربی و ترکیبیات تازی و اقتباس از اخبار و آیات و شواهد و امثله عربی و درج و تضمین اشعار همانند گذشته در نامه‌های آنان رعایت می‌شد. (مردانی ۱۳۷۷: ۴۱)

در برخی از نامه‌های دوره تیموری حد متوسط بین نثر فنی و نثر ساده رعایت شده است، اما در آنها نیز استشهاد آیات و احادیث و عبارات و امثال عربی معمول است و در بین آن نامه‌ها مکاتیب فصیح و بلیغ نیز که دارای متانت و صراحت و انسجام کلام است، دیده می‌شود. بسیاری مکاتیب این دوره به شیوه مرسل و ساده و نسبتاً عاری از تکلفات لفظی و با رعایت اختصار و ایجاز نگارش یافته است و استعمال کلمه‌های عربی که در میان منشیان جاری و

متداول بوده به تدریج تخفیف یافته، اما به کار بردن ترکیبات عربی گذشته همچنان معمول است.

ویژگیهای منشآت دوره تیموری به طور مختصر عبارت است از:

(الف) ایجاز و اختصار: که این شیوه از نیمه دوم قرن هفتم به دلیل عدم رغبت مغولان به عبارت پردازی شروع شد و در عصر تیموری نیز ادامه یافت.

(ب) استعمال افعال به صیغه وصفی: آوردن فعل ماضی نقلی به صورت صفت مفعولی و حذف کردن فعل معین «است».

(پ) تخفیف استعمال لغات دشوار و دور از ذهن عربی: استعمال لغات دشوار و دور از ذهن عربی در دوره تیموری به تدریج تخفیف یافته است، این طریقه با نگارش «گلستان سعدی» رواج یافت و ملایم طبع کاتبان واقع شد، در زمان حکومت تیموریان نیز مورد توجه قرار گرفت.

(ت) کاربرد برخی ترکیبهای عربی، مانند: من کل الوجوه، یوماً فیوماً، کرّة بعد اخری، و غیره از آثار قدیم باقی مانده رو به افزایش نهاد.

(ث) تحلیل و تضمین اشعار و مصراعها: تحلیل و تضمین اشعار و مصراعها و الحاق آنها برای تکمیل و تأیید مطلب و مضمون نامه مورد توجه منشیان بود و شواهد شعری معمولاً از اشعار سست و بی‌مایه است که غالباً از خود منشیان یا امیرزادگان است، و استشهاد از ابیات نغز و مطبوع و معروف قدیم کمتر دیده می‌شود و یا اصولاً منشیان، آنها را فراموش کرده‌اند.

(ج) مطابقت صفت با موصوف

(چ) عدم جزالت با رکاکت الفاظ و عدم توجه به آهنگ کلمات و جمله‌ها و از یاد رفتن کاربرد پیشوندهای گوناگون، مانند: فرا، فرو، همی و غیره بر سر افعال. (اورجی و

منوچهری، 1393: 63-64)

ترسل یا نامه نگاری از قدیمترین فنون نگارش است که هم به نثر و هم به نظم، و گاه در آمیخته ای از نظم و نثر، در تاریخ زبان فارسی دیده می شود.

یکی از آثار میر سید علی، مجموعه مکتوبات و نامه هایی است که وی در دوره کمال حیات خویش و در طول سالیان متمادی نوشته است. این منشآت از نظر اجتماعی و سیاسی، تاریخی و ادبی، ارزش و اهمیت بسزایی دارد، و پرداختن به آنها در حیطه تحقیقات تاریخی و پژوهشهای ادبی و جز آن ضروری می نماید. با مطالعه و بررسی دقیق آنها به نکات و دقایق دستوری، لغوی، چگونگی استعمال صنایع ادبی و سایر ویژگیهای سبکشناسی می توان دست یافت و از اسلوب بیان در ترسل و شیوة نگارش مکاتبات رسمی دیوانی که در دربارها رایج بوده، و همچنین از سبک نگارش نامه های خصوصی (اخوانیات) می توان آگاه شد و در بررسی سیر تطور و تحول نثر فارسی طی قرون و اعصار متمادی، اطلاعات ذی قیمتی از این متون کسب کرد.

نامه در حقیقت نوعی گفتگویی غیر مستقیم یا نوشتاری است. از آنجا که مکتوبات و نامه های هر کس در میان آثار باقیمانده صمیمانه تر و خصوصی تر از سایر آثار اوست و سیمای حقیقی نویسنده را بهتر نشان می دهد. بررسی نامه های میر سید علی همدانی کیفیت ارتباط گفتاری و رفتاری وی را در قرن هشتم با جهان اطراف وی روشن می کند.

مکتوبات میر سید علی همدانی مجموعه نوزده نامه^۶ است که نویسنده در طول حیات خویش و در مواضع مختلف و بنا بر تقاضاهای مختلف درونی و بیرونی خطاب به یاران و دوستان

^۶. آنچه از مکتوبات میر سید علی همدانی بر جای مانده، شامل نوزده نامه است و نخستین بار، این اثر به همت دکتر محمد ریاض به چاپ رسید. برای بررسی نامه های میر سید علی همدانی در این مختصر از مقاله «ریاض، محمد، ۱۳۵۳ ش. متن مکتوبات میر سید علی همدانی، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی،

خود، وزرا و حکام و صدور عصر خود نوشته است. بیشتر مکتوبات وی در اوان اقامت وی در ختلان و نواحی کشمیر نگارش یافته است.

موضوع نامه ها

نامه های میر سید علی همدانی به جهت موضوع به دو دسته تقسیم می شوند: 1. نامه هایی که محتوای مسائل خصوصی و خانوادگی دارند. 2. نامه هایی که شامل موضوعات اجتماعی و فرهنگی هستند. در این میان نامه هایی نیز هستند که به مسائل مهم سیاسی و تاریخی و فرهنگی عصر هم اشاره دارند. به همین سبب برخی از این نامه ها به عنوان یک سند مهم تاریخی به شمار می روند.

موضوع مکتوبات میر سید علی همدانی امر به معروف و نهی از منکر و لزوم توجه به رفاه حال مردم به وسیله حکام است. وی همواره توجه حکام را به ادای حقوق بندگان و رفاه حال مردم معطوف ساخته است.

محتوای نامه گاه در برگیرنده خواهش و خواهشگری است (شفاعت نامه و ...) گاه از سرشکوه و گله‌مندی نوشته می شود (شکایت نامه) زمانی هم جنبه دادخواهی دارد. (مظالم نامه) محتوای بسیاری از نامه ها دنیوی است و توصیه هایی به این امیر و آن وزیر که کار این و آن را روبه راه کنند و در رفع دشواری و اصلاح امور مردم غفلت نکنند. این نامه ها در زمان های مختلف و با نيات مختلف تقرير شده اند.

مضمون و درونمایه نامه ها

از نظر مضمون و درونمایه نامه ها نیز عمده ترین این مضامین، توصیه نامه ها و نامه های سفارشی، پند و نصیحت مخاطب خاص و عام، اخوانیات، نامه های دوستانه و... است.

پند و نصیحت نظیر: نامه ش 1 نامه به سلطان قطب الدین شاهمیری⁷ (مرقوم از پاخلی)

« چون به موجب اشارت نبوی (ص) الدین نصیحه، است، از راه محبت نصیحت لازم است. تو را نصیحت می شود که در دولت دنیوی، نعمت ابدی را فراموش نکنی نعمت دنیا چون باد در گنر و خواب مانند و سخت ناپایدار است. کسی را عاقل نتوان گفت که به خواب فریفته ماند و از انجام غافلان مثبور عبرت نگیرد و یقین دان که هر که از احوال دیگران عبرت نگیرد، او را عبرت دیگران گردانند. (نامه ش 1/ریاض 1353: ص37)

سبک نگارش نامه ها

سبک نگارش نامه های میر سید علی نسبت به سایر نویسندگان قرن هشتم ساده و بی پیرایه است. البته گاه سجع صوفیانه را بکار برده و از قرآن مجید و احادیث نبوی (ص) که بیشتر مستند صوفیان است، استفاده نموده است. در بین ابیات مندرج در نامه ها برخی از اشعار عطار و حافظ نیز دیده می شود در کنار اشعار عطار و حافظ اشعار دیگری هم به چشم می خورد، که به احتمال قوی از خود مؤلف است.

نامه های باقی مانده از میر سید علی شیوة نثر او را نیز آشکار می سازد. این نامه ها، گرچه از آیات قرآن و حدیث و شعر و برخی نکته های عارفانه خالی نیست، بیشتر حال و احوال یاران و درویشان او را نمایش می دهد و از نظر تحقیق در شناخت روحیات میر سید علی از

⁷. سلسله شاهمیری توسط شاهمیر در کشمیر بنیانگذاری شد. زین العابدین شاهمیری یکی از فرمانروایان سلسله شاهمیری در جامو و کشمیر بود. وی از پادشاهان و مشوقان بزرگ ادب بود زبان فارسی را به عنوان زبان رسمی دربار برگزید. در دوران وی برخی آثار سانسکریت به فارسی ترجمه شد و برخی آثار فارسی همچون یوسف و زلیخا به سانسکریت. در دوران زین العابدین شاهمیری که مقارن با حمله تیمور به ایران بود عده ای از ایرانیان و از جمله سادات به هند مهاجرت کردند و از سوی وی مورد تکریم قرار گرفتند. «در میان سلاطین دوازده گانه سلاله شاه میری ها، سلطان شهاب الدین (755-775ق.) سلطان قطب الدین (775-796ق.) سلطان اسکندر بت شکن (796-820ق.) و سلطان زین العابدین (826-879ق.) در معارف پروری و تقدیر از شعرای فارسی زبان معروف اند.» (ریاض، 1351: ص51)

جهت مناسبات او با مردمی که در ایجاد فضای زندگی او نقش داشتند - از حکومتیان و غیر آنان - ارزشمند است.

میر سید علی در مکتوبات خود ساده و صمیمی رو در روی و در مواجهه با مردم اعم از عوام و خواص (وزرا، حکما) قرار دارد و با زبان فارسی رایج و با صمیمیتی خاص و هیجانی تمام و بیانی قانع کننده با عوام و خواص سخن گوید. پاره ای از این نامه ها از نوع اخوانیات و غیر درباری است که (نامه شماره سه/ ص 38) و (نامه شماره چهار/ ص 39)؛ (نامه شماره پنج/ ص 39) و (نامه شماره شش/ ص 40) (نامه شماره پانزده/ ص 61)؛ (نامه شماره شانزده/ ص 61-62)، (نامه شماره هفده/ ص 62-63)، (نامه شماره هجده/ ص 63) در معرفی ارادتمندی به یکی از امراء، و (نامه شماره نوزده/ ص 64) از این زمره اند.

با وجود این بیش از شصت درصد⁸ (ده عدد نامه) درصد آن، از گونه نامه های منشیانه و مصنوع است. لذا لحن و سبک آن بیشتر متناسب با مکاتیب (مکاتبات) اداری درباری است.

⁸. 1- دو نامه به سلطان قطب الدین شاهی میری (مرقوم از پاخلی) (نامه شماره یک/ ص 35) و (نامه شماره دو/ ص 37)؛ 2- دو نامه به نام سلطان طغان شاه حاکم ناحیه کونار در نزدیکی مرز افغانستان و پاکستان (نامه شماره هفت/ ص 41) و (نامه شماره هشت/ ص 42)؛ 3- یک نامه به نام شیخ محمد بهرام شاه بن سلطان خان (سلطان محمد بهرام شاه بن سلطان خان، حاکم ناحیات بلخ و بدخشان) (نامه شماره نه/ ص 44-51)؛ 4- چهار نامه به نام سلطان غیاث الدین حاکم ناحیه پاخلی (نامه شماره ده/ ص 53-51)؛ (نامه شماره یازده/ ص 53-55)؛ (نامه شماره دوازده/ ص 55)؛ (نامه شماره سیزده/ ص 55-57)؛ 5- یک نامه به نام ملک شرف الدین خضر شاه جانشین سلطان غیاث الدین (نامه شماره چهارده/ ص 57-57)

ویژگی مکتوبات میر سید علی این است که بر خلاف سایر آثار وی، مجموعه مطالبی است که از سر ضرورت و نیازهای مختلف بشری بالیده و تدوین شده است و غالب این نامه ها برای رفع حوائج و سفارش و تقاضای دیگران ترتیب داده شده است. وی با کمال صراحت لهجه و بی‌باکی به حکام بزرگ نصایح دینی می‌دهد و آنان را به اجرای اوامر و نواهی شرع اسلامی دعوت می‌کند. (نامه شماره نه) بر این اساس اگرچه عصاره سخن میر سید علی در زمینه های عرفانی و ... در آثار وی آمده، تصویر روشن و شفاف تر میر سید علی را در مکتوبات او می‌توان یافت.

برخی از ویژگیهای نامه های میر سید علی همدانی عبارتند از:

الف. آغاز شدن نامه با نام خدا

ب. داشتن مخاطبه در نامه

ج. مخاطبین نامه ها

برخی از مخاطبین نامه های میر سید علی همدانی عبارتند از:

۱. سلطان قطب الدین شاهمیری^۹ (مرقوم از پاخلی)

60) 8- یک نامه به نام میرزاده میر کا (نامه شماره پانزده / ص 61)

^۹. سلسله شاهمیری توسط شاهمیر در کشمیر بنیانگذاری شد. زین العابدین شاهمیری یکی از فرمانروایان سلسله شاهمیری در جامو و کشمیر بود. وی از پادشاهان و مشوقان بزرگ ادب بود زبان فارسی را به عنوان زبان رسمی دربار برگزید. در دوران وی برخی آثار سانسکریت به فارسی ترجمه شد و برخی آثار فارسی همچون یوسف و زلیخا به سانسکریت. در دوران زین العابدین شاهمیری که مقارن با حمله تیمور به ایران بود عده ای از ایرانیان و از جمله سادات به هند مهاجرت کردند و از سوی وی مورد تکریم قرار گرفتند. «در میان سلاطین دوازده گانه سلاله شاه میری ها، سلطان شهاب الدین (755-775ق.) سلطان قطب الدین (775-796ق.) سلطان اسکندر بت شکن (796-820ق.) و سلطان زین

سلطان قطب الدین بن طاهر شاهمیری (حک. ۷۷۵-۷۹۶ق.) بر منطقه کشمیر حکومت می‌کرد. وی در «هنگام ورود سید به کشمیر در 781ق. از وی استقبال کرد مرید وی شد، از او اخذ معرفت نمود، و چون از راه بی خبری به احکام اسلام جمع بین الاختین نموده بود، به دستور سید یکی را طلاق گفت خود را به لباس اسلامی بیاراست، و سید از راه محبت و شفقت کلاه فقر خویش را به وی داد، که همیشه تاج خویش می گذاشت. ... و نیز مخاطب برخی از نامه های اوست.» (انکایی، 1368: 33)

«رساله عقبات یا قدوسیة میر سید علی همدانی به نام پادشاه کشمیر سلطان قطب الدین (775-795ق.) نوشته شده است.» (ریاض، 1354: 72) در بین نامه های باقی مانده از میر سید علی همدانی دو نامه (نامه شماره یک و دو) به اسم سلطان قطب الدین شاهمیری باقی مانده است.

2. نورالدین جعفر بدخشی (۷۴۰-۷۹۷ق./۱۳۳۹-۱۳۹۵م.)

عارف، صوفی و شاگرد برجسته میر سید علی همدانی، در سال ۷۷۳ق. به تشویق یکی از دوستانش به نام اخی علی حق گوی، به دیدار میر سید علی همدانی به روستای علیشاهیان یا علیشاه رفت و از همان ابتدا شیفته او شد. اما میرسیدعلی که ظاهراً هنوز آمادگی لازم برای بیعت را در او نمی‌دید، پذیرفتن او را چند ماهی به تعویق انداخت تا سرانجام در عید فطر همان سال او را به شاگردی خود قبول کرد. از آن هنگام تا زمان مرگ میرسیدعلی همدانی، نورالدین جعفر همواره ملازم او بود و از ارشاد و تربیت او بهرمند می‌شد. پس از آن در ۷۸۷ق./۱۳۸۵م. به ختلان آمد و در خانقاه اعظم آن شهر ساکن شد و به یادبود شیخ درگذشته‌اش، تألیف کتاب خلاصة المناقب را آغاز کرد. بدخشی در دوشنبه 16 رمضان ۷۹۷ق. در ۵۷ سالگی درگذشت. (لاجوردی، 1367: ص 525-526)

نورالدین جعفر بدخشی به تصریح خودش از سال 773-774 ق. در سلک مریدان میر سید علی همدانی درآمده و خلاصه المناقب¹⁰ (در باره زندگی صوفیانه) را یک سال پس از درگذشت سید (رجب سال 786 ق. در خانقاه اعظم ختلان) اندر مناقب و اوصاف وی تألیف نمود. (اذکایی، 1368: 9)

در بین نامه های باقی مانده از میر سید علی همدانی دو نامه به اسم نورالدین جعفر بدخشی (نامه شماره سه و چهار) باقی مانده است.

3. مولانا شیخ محمد خوارزمی

از یاران و همسفران میر سید علی همدانی. در بین نامه های باقی مانده از میر سید علی همدانی دو نامه به اسم مولانا شیخ محمد خوارزمی (نامه شماره پنج و شش) باقی مانده است.

4. سلطان طغان شاه حاکم ناحیه کونار در نزدیکی مرز افغانستان و پاکستان. تحت الحمایه پادشاهان کشمیر. در بین نامه های باقی مانده از میر سید علی همدانی دو نامه به اسم سلطان طغان شاه (نامه شماره هفت و هشت) باقی مانده است.

5. سلطان محمد بهرام شاه بن سلطان خان، حاکم ناحیات بلخ و بدخشان

« که به مؤلف ارادت داشته و رساله واردات، مؤلف بنا به درخواست وی نگارش یافته است. » (ریاض، 1353: 34)

در بین نامه های باقی مانده از میر سید علی همدانی یک نامه به شیخ محمد بهرام شاه بن سلطان خان (نامه شماره نه) باقی مانده است. « نامه به نام این سلطان بهرامشاهی هم نامیده شده است. » (ریاض، 1353: 34)

6. سلطان غیاث الدین حاکم ناحیه پاخلی

¹⁰. خلاصه المناقب، مهم ترین اثر بدخشی است.

میر سید علی همدانی چهار نامه به سلطان غیاث الدین حاکم ناحیه پاخلی (پکهلی) متصل به کونار¹¹ نگاشته است. و در هر چهار نامه تلاش کرده است که وی را نصیحت کند. مشخص است که از شیوه حکومت وی ناراضی بوده است. (نامه شماره ده، یازده، دوازده و سیزده)

7. ملک شرف الدین خضر شاه جانشین سلطان غیاث الدین

ملک شرف الدین خضر شاه از مریدان میر سید علی همدانی بود. «در موقع آخرین مسافرت از کشمیر به ختلان میر سید علی همدانی مهمان همین حاکم بود که بیمار شد و همانجا فوت کرد، و طبق وصیت وی، جنازه اش را به ختلان آوردند.» (ریاض، 1353: 35) در حقیقت نامه چهاردهم که به ملک شرف الدین خضر شاه نگاشته شده است، وصیت نامه میر سید علی همدانی هم است. میر سید علی همدانی در پایان این نامه به سلسله خرقه درویشی خود اشاره می کند.

8. میرزاده میر کا

از امیرزادگان بلخ و بدخشان که احوالش معلوم نیست. در بین نامه های باقی مانده از میر سید علی همدانی یک نامه به اسم میرزاده میر کا (نامه شماره پانزده) باقی مانده است.

9. مخاطبین نامعلوم

در بین مکتوبات باقی مانده از میر سید علی همدانی در چهار نامه شامل (نامه شماره شانزده/ص 61-62)، (نامه شماره هفده/ص 62-63)، (نامه شماره هجده/ص 63) در معرفی ارادتمندی به یکی از امراء، و (نامه شماره نوزده/ص 64) اشاره ای به مخاطب نامه نشده است و به عبارت دیگر دریافت کننده نامعلوم است. زیرا نسخ فقط این قدر نوشته اند که «به یکی از پادشاهان/ حاکمان نوشته شد.»

د. کاربرد شعر در نگارش نامه ها

¹¹ ناحیه کونار در نزدیکی مرز افغانستان و پاکستان. تحت الحمایه پادشاهان کشمیر. (ریاض، 1353: 34)

بسیاری از اشعاری که در آغاز نامه ها و در بین نامه ها به مقتضای کلام و بیان ذکر شده است با موضوع مناسبت و سنخیت دارند. برخی از نامه های میر سید علی همدانی مزین به اشعاری در قالبهای مختلف است و در نگارش برخی از نامه ها از هیچ نوع شعری بهره نگرفته است.

1) اشعار فارسی

میر سید علی همدانی در نگارش هفت نامه از اشعار فارسی در صورت تک بیتی، قطعه و مثنوی بهره برده است. این نامه ها عبارتند از:

- (نامه شماره یک/ ص 35) چهار بیت شعر فارسی (دو تک بیت و یک مثنوی دو بیتی)
 - (نامه شماره نه/ ص 44-51) نه بیت شعر فارسی (یک مثنوی پنج بیتی و پنج بیت شعر فارسی در قالب قطعه با ردیف توانی کرد و قافیه: کجا، رها، صفا، کبریا)
 - (نامه شماره یازده/ ص 53-55)؛ یازده بیت شعر فارسی در قالب مثنوی
 - (نامه شماره دوازده/ ص 55)؛ سه بیت شعر فارسی در قالب مثنوی
 - (نامه شماره سیزده/ ص 55-57) شش بیت شعر فارسی در قالب قطعه با قافیه حساب، رکاب، عذاب، خلاب، عقاب، حجاب
 - (نامه شماره پانزده/ ص 61) یک بیت شعر فارسی
 - (نامه شماره شانزده/ ص 61-62)، هفت بیت شعر فارسی در قالب قطعه با قافیه: گواه، پادشاه، اله، آه، بکاه، پگاه، راه
- برخی از این نمونه ها عبارتند از:

در نامه به سلطان قطب الدین شاهمیری (مرقوم از پاخلی) (نامه ش 1) ابیات ذیل دیده می شود.

کسی چه داند آن بد زمن، که من دانم	زهر بدی که تو دانی هزار چندانم
زان که چون من بدکنش را پیش بت هم بار نیست	گر برهن حال من بیند، براندازد، درم
ماییم مفروق عالم عیب	ای خالق خلق، عالم غیب
نظر همه جز کرم تو نبیند	عذر همه لطف تو پذیرد

(نامه ش 1/ ریاض 1353: ص 36)

نفس سگ را گر چنین فرمان بری
نیست ممکن تا زدستش جان بری
(نامه شماره یازدهم/ ریاض 1353: ص 53)

2) اشعار فارسی و عربی

میر سید علی همدانی در نگارش دو نامه از اشعار عربی در کنار اشعار فارسی بهره برده است. این نامه ها عبارتند از:

* (نامه شماره پنج/ ص 39) شش بیت شعر فارسی (دو مثنوی سه بیتی) و دو بیت شعر عربی در قالب قطعه با قافیه: احب، اکب

منم سرگشته بی سود و سودا	چه می جنبانی این زنجیر غوغا
دمی چرخم به این و آن سیاره (کذا)	زمانی روزگارم تیره دارد
زمانی تا به مه در سینه حاصل	دلی روشن و لیکن پای در گل
کلا بل دواعی نسماات حبه	از عجنی الی تحمل مالا احب

(نامه شماره پنج/ ص 39)
(نامه شماره پنج/ ص 39)
* (نامه شماره هفده/ ص 62-63)، یک قطعه دوبیتی عربی با قافیه قلیل و خلیل و پنج بیت

فارسی در قالب مثنوی

3) در نگارش برخی از نامه ها از هیچ نوع شعری بهره نگرفته است.

در نگارش ده نامه هیچ نوع شعری به کار گرفته نشده است. این نامه ها عبارتند از:
(نامه شماره دو/ ص 37)؛ (نامه شماره سه/ ص 38)؛ (نامه شماره چهار/ ص 39)؛ (نامه شماره شش/ ص 40)؛ (نامه شماره هفت/ ص 41)؛ (نامه شماره هشت/ ص 42)؛ (نامه شماره ده/ ص 51-53)؛ (نامه شماره چهارده/ ص 57-60)؛ (نامه شماره هجده/ ص 63)؛ (نامه شماره نوزده/ ص 64)

هـ. استفاده از آیات و احادیث و عبارات عربی

عمده ترین ویژگی این نامه ها استفاده فراوان از آیات و احادیث و عبارات عربی، اطناب، تصاویر هنری شاعرانه و ... است.

و. صداقت و صمیمیت نامه ها

از امتیازات برجسته دیگر مکتوبات، صداقت و صمیمیت نگارنده نسبت به مخاطب است. در حقیقت دو عامل اساسی بر گیرایی و جاذبه مکاتبات میر سید علی افزوده است، که عبارتند از: یکی ملموس بودن شخصیت و دیگر ظهور حقایق زندگانی اوست که در سایه چنین صداقتی، بررسی و شناخت روحی و روانی میر سید علی حقیقی تر به نظر می رسد. چراکه این نوشته ها «شخصیت نویسنده، مناسبات او با طبقات متعدد، واکنش های او در برابر رویدادهایی که با زندگی خصوصی و اجتماعی اش پیوند نزدیک دارند، علاقه ها و گرایش ها و نفرت ها، تلقی او از افراد و حوادث و سرانجام اسرار زندگی او را با صداقت و صفای بیشتری از لابه لای نامه ها نمودار می سازد و حس کنجکاو خواننده را بهتر ارضا می کند.» (سمیعی گیلانی، ۱۳۷۱: ۳۹)

ز. چاشنی محبت و ذوق عرفانی

ویژگی دیگر نامه ها چاشنی محبت و ذوق عرفانی است که در اغلب نامه های موجز و مستقل و غالباً شفاف و آکنده از تصاویر نورانی و تعلیمی مطرح شده است؛ آموزه هایی که صدای آن نه تنها در گوش مخاطبان خاص او بلکه در گوش جان مستمعان عام او در هر زمان منعکس می شود و آنان را از استغراق حیات مبتذل روزمرگی باز می دارد و به صفا و صمیمیت و محبت و معرفت دعوت می کند. در واقع میر سید علی مخاطبان خود را به تقلید از شیوه های زمان خویش با پناه جستن به قواعد منجمد ترسل مورد خطاب قرار نمی دهد بلکه آنچه که از دلش برمی خیزد با مخاطب خود در میان می گذارد.

ح. پایان و خاتمه نامه ها

هر نوزده نامه بدون استثنا با یک عبارت عربی به پایان رسیده اند. نوع اختتام نامه ها در سه شکل قابل بررسی است.

(۱) «و السلام علی من اتبع الهدی»

پایان پانزده نامه از بین نوزده نامه باقیمانده از میر سید علی همدانی (به شرح زیر) با «و السلام علی من اتبع الهدی» ختم شده است.

(نامه شماره یک/ ص 35)؛ (نامه شماره دو/ ص 37)؛ (نامه شماره سه/ ص 38)؛ (نامه شماره چهار/ ص 39) (نامه شماره پنج/ ص 39) (نامه شماره هفت/ ص 41)؛ (نامه شماره ده/ ص 51-53)؛ (نامه شماره یازده/ ص 53-55)؛ (نامه شماره دوازده/ ص 55)؛ (نامه شماره سیزده/ ص 55-57) (نامه شماره پانزده/ ص 61)؛ (نامه شماره شانزده/ ص 61-62)؛ (نامه شماره هفده/ ص 62-63)؛ (نامه شماره هجده/ ص 63) در معرفی ارادتمندی به یکی از امراء؛؛ (نامه شماره نوزده/ ص 64)

(2) «والحمد لله رب العالمین»

پایان سه نامه با «والحمد لله رب العالمین» ختم شده است.

1. نامه از پاخلی، به نام شیخ محمد خوارزمی: (میر سید علی شیخ محمد خوارزمی) (نامه شماره شش/ ص 40) با «والحمد لله رب العالمین»

2. نامه به نام سلطان طغان شاه حاکم ناحیه کونار در نزدیکی مرز افغانستان و پاکستان (نامه شماره هشت/ ص 42) با «والحمد لله رب العالمین»

3. نامه به نام ملک شرف الدین خضر شاه جانشین سلطان غیاث الدین (نامه شماره چهارده ص 57-60) با «والحمد لله رب العالمین»

(3) «الحمد لله رب العالمین و السلام علی من اتبع الهدی»

نامه به شیخ محمد بهرام شاه بن سلطان خان (سلطان محمد بهرام شاه بن سلطان خان، حاکم ناحیات بلخ و بدخشان) (نامه شماره نه /ص 44-51) «الحمد لله رب العالمین و السلام علی من اتبع الهدی» پایان یافته است.

- قالب و ساختار مکاتبات

ساختار مکاتبات نوزده گانه میر سید علی همدانی که در واقع همان گفتگوهایی در قالب نوشتار است، عمدتاً شامل سه بخش مقدمه، اصل نامه و دعا و خاتمه سخن است که از جهت ساختار و بیان مسأله این نوع در میان انواع نثر فارسی بسیار شبیه ساختار قصیده در انواع

شعر فارسی است. به عبارت دیگر مقدمه‌ی مکتوبات شبیه تشبیب، نسیب و تغزل و انگیزه اصلی نوشتن نامه مانند مدح در قصیده و دعای آخر آن مانند شریطه و تأبید در قصیده است. 1. مقدمه در ذکر صفات و محامد و القاب پر طمطراق مخاطب که غالباً با اطناب، سجع و صنایع بدیعی دیگر قرین است. او در غالب نامه‌هایی که به رؤسا و حاکمان عصر نوشته از این نوع و سبک پیروی کرده است.

2. اصل نامه و بدنه اصلی آن و این چیزی است که محرض و محرک نوشتن نامه بوده است. انگیزه‌هایی چون شفاعت شخص ثالث، اعتذار و ندامت، تقاضای عنایت بیشتر، شکوائیه و گله، توصیه‌نامه، اخوانیات و نامه‌های دوستانه، نصیحت و طرح مسائل عرفانی و ... عمده ترین این موارد است.

3. تأبید و دعا نسبت به اوضاع و احوال مخاطب که غیر مستقیم دعوت به خوب زیستن، حق خواهی و ... می‌کند. این قسمت به نسبت سایر قسمت‌های نامه، ادیبانه‌تر، زیباتر و عاطفی‌تر است.

از سایر نکات و مشخصات قابل توجه در این نامه‌ها از نظر ساختار و فرم مکاتبات می‌توان به موارد ذیل نیز اشاره کرد:

- شروع برخی نامه‌ها با اشعار فارسی که آن از روح آزاد و طبع جوشان او نشأت می‌گیرد. (نامه‌های شماره 5، 15)

- شروع برخی نامه‌ها با آیات و احادیث و عبارات عربی نشانی از آمیختگی زبان روان و شیوای میر سید علی (فارسی) با عربی دارد. (نامه‌های شماره 6، 10، 13، 12، 16، 18، 19)

- خطاب اغلب مکتوبات به صورت سوم شخص مفرد است، برخلاف مکاتبات امروزی که خطاب آن به صورت دوم شخص است.

طولانی‌ترین نامه

نامه شماره نهم طولانی‌ترین نامه به جا مانده از میر سید علی همدانی است که به نام شیخ محمد بهرام شاه بن سلطان خان (سلطان محمد بهرام شاه بن سلطان خان، حاکم ناحیات بلخ و بدخشان) در هفت و نیم صفحه نوشته شده است. (نامه شماره نه/ ص 44-51)

کوتاهترین نامه

در بین نوزده نامه به جا مانده از میر سید علی همدانی دو نامه کوتاه نیز دیده می‌شود که کوتاهترین نامه، (نامه شماره هجده/ ص 63) در معرفی ارادتمندی به یکی از امراء، در چهار سطر نوشته شده است و مخاطب آن معلوم نیست. همچنین (نامه شماره چهار/ ص 39) که به نورالدین جعفر بدخشی در توصیه پزشکی برای درمان درد نورالدین نوشته شده است.

شیوه نگارش نامه‌های میر سید علی همدانی

به نظر می‌رسد هدف اصلی میر سید علی همدانی در نگارش نامه‌ها و منشآت خود ارشاد مخاطبان و گسترش تعالیم شریعت و تبیین مقامات طریقت است. هرچند که متن نامه‌ها دارای آیات قرآن و احادیث و روایات است در عین حال دارای آرایه‌های ادبی نیز می‌باشد. نثر ساده و روان نامه‌ها، درک و فهم محتوای نامه را برای خواننده ممکن می‌سازد.

سبک نگارش میر سید علی همدانی در نامه های وی گاهی ساده و گاهی مصنوع و مسجع ولی کمتر مشکل و متکلف می باشد. بسیاری از صوفیان به آرایش و زیبایی بیان توجه داشته ولی به مشکل نویسی نپرداخته اند و نگارشهای میر سید علی همدانی هم از این قبیل است. چنین به نظر می رسد که وی شیوه نگارش سایر صوفیان را در پیش چشم خود داشته و تحت تأثیر آنها به موضوع و مضمون نامه های خود توجه تمام داشته و طبق آن گاهی روش سادگی و گاهی صنعت را در پیش گرفته است.

از فحوای نامه ها برمی آید که میر سید علی همدانی به هر دو زبان فارسی و عربی تسلط کامل داشته است و با استادی تمام ترکیبی از عبارات فارسی و عربی را در کنار هم قرار می داده است. وی در نگارش نامه های خود به زبان وقت هم توجه داشته و به سبک رایج و متداول عصر خود به دو نوع ساده و مصنوع می نوشته است. برخی از نامه های وی که مخاطبان آنها امیران و شاهزادگان نیستند گویی که برای مبتدیان نوشته شده، و مشتمل بر مطالب ساده است، زبانی کاملاً ساده و بی پیرایه دارد، و در مقابل برخی نامه ها نیز گویی که برای خواص است مصنوع و مسجع است.

ویژگیهای عمومی سبکی نثر قرن هشتم در نامه های میر سید علی همدانی برخی از خصوصیات عمومی سبک نثر قرن هشتم در نامه های میر سید علی همدانی عبارت است از:

- ۱- کمال آمیختگی و اختلاط زبان فارسی با ادب و لغت عربی
- ۲- تأثیر و نفوذ کامل معارف و تعلیمات و آداب دین اسلام در نگارشها
- ۳- تأثیر آثار و اقوال صوفیه گذشته در نامه های میر سید علی همدانی
- ۴- استفاده از آیات قرآنی و احادیث نبوی (ص) به دنبال جملات فارسی
- ۵- گاهی آیات و اخبار را به طریق ترکیب اضافی می آورد و درین گونه موارد سجع را هم می توان مشاهده کرد،
- ۶- بکار بردن زبان ساده در نقل واقعات و قصص و جمله های معترضه و مطالب واعظانه.

چهره میر سید علی همدانی در مکتوبات وی

سیمای اجتماعی و واقعی میر سید علی همدانی را می توان از خلال نامه های او یافت و شناخت. با شناختن میر سید علی از خلال نوشته ها و نامه های وی که در مواجهه با شخصیت های مختلف - از حاکم و امیر گرفته تا دوستان و نزدیکان عصر و از نزدیکان بی بصر تا دوران بی خبر و برای رفع احتیاجات بشری - ترتیب و تدوین شده است، نقاط تاریک بسیاری روشن می شود.

به مکتوبات میر سید علی با توجه به مقتضیات آن عصر و شرایط تاریخی و سیاسی آن دوره بیش از دیگر آثار میر سید علی اعتماد کرد؛ زیرا این نامه ها مولود وقت و وضع دنیوی حاکم بر مؤلف است. به عبارت دیگر اگر آثار او منشور و بازتاب دهنده شخصیت چند بعدی و

ایده آل میر سید علی است نامه های وی، آیین روشن و شفاف است که میر سید علی را در عالم واقع نشان می دهد.

برخی از مؤلفه های مطرح در مکتوبات میر سید علی که با تکیه و تأکید بر آنها می توان به تصویر روشن تری از زندگی وی دست یافت، عبارتند از:

۱- رعایت آداب گفتگو: از خصیصه های گفتگوی سالم از نظر روابط اجتماعی؛ رعایت آداب سخن گفتن و حفظ حرمت متقابل در محور افقی (دو هم سطح) و در محور عمودی (از بالا به پایین) است. نکته ای که در مکتوبات میر سید علی به وضوح بر آن تأکید شده است. ویژگی ای که تقریباً بر جای جای نامه های او از خطاب ها و عناوین و القابی که میر سید علی در صدر و ختام آنها آورده تا در متن و بدنه مکاتبات دیده می شود این است که او به خوبی از اهمیت احترام متقابل و رعایت آداب محاوره مطلع بوده و در مکتوبات خود به گونه عملی آن را به اجرا می گذارد.

در نامه چهاردهم از شیخ و استاد خود یاد می کند و با بردن القابی چند نام او را ذکر می کند: «... در صحبت شیخ خود، سیدی و سندی، قوه الواصلین حجه العارفین، سلطان المحققین برهان الموحیدین و سر الله فی الارضین شیخ ابوالمعالی شرف الحق و الدین محمود بن عبدالله المزدقانی الرازی، افاض الله علی روحه الکریم سجال الرحمه و الغفران مشاهده کرده ... (نامه شماره چهاردهم/ریاض 1353: ص 60)

از نشانه های دیگر آگاهی به آداب گفتگو، رعایت مقام و منصب اجتماعی افراد است به گونه ای که او به تناسب آن باب مخاطبه و مکاتبه را می گذرد.

۲- انسان سالاری و عشق به مقام انسان و کرامت او: از مجموعه مکتوبات میر سید علی، تقریباً نیمی از آن برای امرا، حاکمان و صاحبان قدرت نوشته شده است که با تأمل و تدبر در مقدمه این نامه ها؛ دو اصل توجه به کرامت انسانی و مقام انسان خود را نشان می دهد. میر سید علی همدانی در این دسته از نامه ها به حاکمان عرضه می دارد که خلق و مردم، عیال و خانواده خداوندند و از قول نبی اکرم، گرامی ترین مردمان را نزد خداوند کسی می داند که در حق انسان ها، پر منفعت تر باشد و از ممدوح و صاحب قدرت می خواهد درکنار تعظیم و تکریم شعائر الهی، نسبت به خلق خداوند به ویژه انسان به عنوان عصاره ی نظام آفرینش شفقت بورزد.

وی دائماً بر برانگیختن شفقت و محبت در انسان ها و توجه و اهمیت به مقام انسان و کرامت او تأکید دارد و غیر مستقیم از مخاطب و گیرنده نامه ها می خواهد تا نسبت به خلق شفقت ورزند و تمام انسان ها و خادمان خود را عیال خداوند بدانند.

۳- وجود تقوا و خویشتن داری (عدالت) در گفتگو: عنایت به رعایت تناسب و اعتدال و کمیت کلام، حد وسط و رعایت عدالت در گفتگو و کلام؛ از اصول گفتگو است. به همین دلیل در نامه ها و سایر آثار میر سید علی به نسبت اینکه مخاطب کیست و در چه موضع و مقامی قرار دارد لحن، سبک، کمیت و کیفیت کلامش در حال نوسان است. چنانکه در برخی از نامه ها و مواردی که گله و شکوه ای در آن پنهان است لحن و سبک سخن، تند و شدید و از نظر کمیت نیز طولانی تر از سایر نامه ها است. (ر.ک: نامه 9)

نتیجه

مکتوبات میر سید علی همدانی نمونه خوبی از رسائل اخوانی است که از قرن هشتم باقی مانده است. که به روش مکاتیب مشایخ و علمای عهد، آمیخته به تلمیحات قرآنی و حدیثی است و در آنها بسیاری از مبانی اعتقادی صوفیه مورد بحث قرار گرفته است. مضامین مکتوبات او اغلب راجع به مسائل فلسفی و اصول عرفانی و سلوک و شرح احادیث و آیات قرآنی و ارکان دین اسلام و آنچه بدین موضوعات تعلق دارد، می باشد، این نامه ها اغلب مشحون از کلمات و جمله های عربی دشوار و مترادف است.

این رسائل، در حقیقت نامه هایی است که به خاطر مریدان خود به اشخاص ذی نفوذ نوشته است و کمتر نامه ای دیده می شود که در آن اثری از معرفت و لطافت طریقت نباشد. به جز چند نامه غیر رسمی در مابقی نامه ها، تکلفات بسیار به کار رفته و القاب و عناوینی ذکر شده که تشخیص مخاطب را دشوار کرده است.

از میان آثار میر سید علی، مکتوبات او بیان کننده سیمای واقعی و طبیعی وی است. از آنجا که یکی از راه های شناخت و تحلیل شخصیت انسان توجه به نحوه تعامل و گفتگوی او با دیگران است، با بررسی و تعمق در مکتوبات او - که شامل 19 نامه به عوام و خواص است - در حقیقت به شخصیت میر سید علی جدای از نگاه ماورایی دیگران به او پرداخته شده است. برخی از نتایج حاصل از این بررسی عبارتند از:

1- میر سید علی جز به ضرورت با دیگران سخن نمی گفت و نامه های او به دیگران نیز - که اغلب برای کمک به حل مشکل اطرافیان نوشته شده - مؤید این مدعاست. تلاش او در برآوردن نیازهای ضروری و حل مشکلات اجتماعی اطرافیان، نشانگر يك شخصیت آگاه و فعال اجتماعی است و این برخلاف تصور شخصیت عزلت گزین سجاده نشین واعظی است که در دیگر آثارش از او دیده می شود.

2- عقیده میر سید علی در باب رعایت عدالت در گفتگو نیز قابل توجه است. وی رعایت تناسب در گفتار را نسبی و براساس اینکه «کي و کجا» و از زبان «که» و در مقابل چه کسی بیان می شود، متغیر می داند. به همین دلیل در نامه های او به نسبت اینکه مخاطب او چه کسی است و در چه موقعیتی قرار دارد، لحن و سبک، کمیت و کیفیت سخن او در نوسان است.

3- رعایت آداب گفتگو و حفظ حرمت انسان ها در محور افقی (دو همسطح) و در محور عمودی (از بالا به پایین یا بالعکس) از توصیه های مهم میر سید علی در گفتگوست.

4- در نگاه او سنجیت و جایگاه مشترك فرهنگی و اجتماعی از مقدمات آغاز گفتگو و پیشرفت کلام است به گونه ای که بیان و سخن هر فردی را پیرو مقام و شخصیت اجتماعی او می داند.

5- داشتن زبان مشترك در کنار همدلی و هم حسی از لوازم گفتگوی دوجانبه است که میر سید علی در مکتوبات نیز به آن تأکید می ورزد.

6- میر سید علی عجب و غرور را مانع تعالی و وصول به کمال مطلوب می داند و در این مورد بی توجهی به جنس و نسب و... را باعث صلح و صفا می شمرد. لذا انسان دوستی و توجه به کرامت انسانی از توصیه های فراگیر میر سید علی است.

میر سید علی همدانی در نگارش بخشهایی از نامه ها مانند مقدمه، تشبیب عناوین، مدخل نامه ها و تراجم احوال شاهان و رجال و مدح و رثا ... از نثر سجع مترسلانه استفاده کرده است. از جمله خصایص و ویژگیهای این نامه ها آوردن کلمات و جملات مترادف و آراستن عبارات به صنایع بدیعی از قبیل سجع و جناس و مراعات النظیر و تشبیهات و مجازات و استعارات، استفاده از آیات و احادیث و اشعار فارسی و گاهی عربی می باشد. بیشتر اشعار فارسی نامه ها متناسب با موضوع کلام انتخاب شده اند و در ابتدا یا میانه نامه ها در قالب تک بیت، قطعه، مثنوی با موضوع پند و اندرز و مدح و وصف به تناسب مطلب در آنها درج شده و بر لطف و زیبایی سخن افزوده و گاه نثری مقفی و موزون، زیبایی عبارات را افزونتر نموده است.

میر سید علی همدانی در بکار بردن صنایع بدیعی و آوردن مترادفات حد بسیار متوسط را رعایت کرده است. نثر وی در برخی موارد از قید تصنعات منشیانه آزاد شده و ساده و روان است. در قسمت مصنوع مترسلانه علاوه بر سجع به صنایع بدیعی دیگر نیز روی آورده، اما از حد اعتدال خارج نشده است تا به تطویل و اطناب کشیده شود و موجب ملال خاطر مخاطبین باشد.

کتابنامه

- آفاقی، صابر، صوفیان کشمیر و نقش آنان در نشر فرهنگ و ادب فارسی، قند پارسی، ویژه نامه کشمیر و میر سید علی همدانی، فصلنامه مرکز تحقیقات فارسی، دهلی نو، هند. ش 47-48، زمستان 1388-بهار 1389 ش. (ص 44-83)
- اذکایی، پرویز، سرگذشتنامه میر سید علی همدانی، فرهنگ ایران زمین، ش 28، زمستان 1368 ش. (ص 9-68)
- اذکایی، پرویز، مروج اسلام در ایران صغیر احوال و آثار میرسیدعلی همدانی، انتشارات دانشگاه بوعلی سینا، همدان، 1370 ش.
- انواری، سید محمود، میر سید علی همدانی و تحلیل آثار او، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه تبریز، ش 123، 1356 ش. (ص 297-363)
- اورجی، فاطمه و منوچهری، علی، جایگاه منشآت نصرالله بن عبدالمؤمن منشی سمرقندی در پژوهشهای تاریخی دوره تیموری، فصلنامه گنجینه اسناد، س 24، دفتر دوم، ش 94، تابستان 1393 ش. (ص 60-81)
- رضایی، حمید و محمدابراهیم ایرج پور و زهرا نوربخش، بررسی سبکی نثر ترسل و انشا در عصر صفوی با تاکید بر نامه نامی، فصلنامه تخصصی سبک شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب)، س 6، شماره دوم -شماره پیاپی 20، تابستان 1392 ش. (ص 225-241)
- رمضانی، علی، پیشینه ترسل و نامه نگاری در ایران از آغاز تا قرن ششم هجری، فصلنامه علمی و پژوهشی زبان و ادب فارسی، دانشکده ادبیات و زبانهای خارجی واحد سنج، س 5، ش 14، بهار 1392 ش. (ص 107-130)
- ریاض، محمد، متن مکتوبات میر سید علی همدانی، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه تهران. س 21، ش 1، 1353 ش. (ص 33-66)
- ریاض، محمد، ادبیات فارسی در شبه قاره هند و پاکستان، هنر و مردم، ش 157، آبان 1354 ش. (ص 66-72)
- ریاض، محمد، فارسی سرایان کشمیر در دوره پیش از تیموریان شبه قاره، هلال، ش 124، خرداد و تیر 1351 ش. (ص 51-55)
- سمیعی گیلانی، احمد، مکتوبات مولانا جلال الدین رومی، فصلنامه نشر دانش، ش 74، بهمن و اسفند 1371 ش. (ص 39-42)
- عمید، حسن، فرهنگ عمید، ویرایش فرهاد قربانزاده، چ 1، انتشارات اشجع، تهران، 1389 ش.
- غفاروا، ضمیره، پیوند تاریخی و فرهنگی تاجیکان با کشمیر، قند پارسی، ویژه نامه کشمیر و میر سید علی همدانی، قند پارسی، ویژه نامه کشمیر و میر سید علی همدانی، فصلنامه مرکز تحقیقات فارسی، دهلی نو، هند. ش 47-48، زمستان 1388-بهار 1389 ش. (ص 261-276)
- لاجوردی، فاطمه، بدخشی، نورالدین، دایره المعارف بزرگ اسلامی، ج 11، انتشارات مرکز دایره المعارف بزرگ اسلامی، 1367 ش. (ص 525-526)

- لولویی، کیوان، اولجایتو؛ نخستین چهره شیعه در تاریخ ایلخانان، کیهان فرهنگی، ش 157، آبان 1378ش. (ص 52-54)
- مایل هروی، نجیب. نقد و نظر درباره چهار اثر سیدعلی همدانی، آینه پژوهش، ش 9، مهر و آبان 1370ش. (ص 230-243)
- مردانی، فیروز، ترسل و نامه نگاری در ادب فارسی، کیهان فرهنگی، ش 147، آبان 1377ش. (ص 37-43)
- ناهیدی، پروین، میرسید علی همدانی، پیر ختلان، آفتاب اسرار، س 1، ش 3، پاییز 1386ش. (ص 45-50)
- همدانی، سید حسین شاه، شاه همدان، میر سید علی همدانی، ترجمه محمد ریاض خان، مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان، اسلام آباد پاکستان، 1374ش. / 1995م.